رخداد

انتقام‌جویی خانوادگی رنگ خون گرفت

■ **شرق:** فردی که در پی اختلاف خانوادگی برای انتقام‌گیری از داماد خانواده، وی را با واردکردن ضربات چاقو به قتل رسانده بود، دستگیرشد. ماموران پلیس آگاهی کرج روز هفتم اردیبهشت به دنبال دریافت گزارش‌های مردمی از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع نزاع منجر به قتل در خرمدشت به محل حادثه رفتند و فهمیدند فرد جوانی به نام حمید به دنبال درگیری خیابانی با واردآمدن ضربات پیاپی چاقو به گلو و پهلو به قتل رسیده و ضارب متواری شده است. ماموران با توجه به اظهارات شاهدان، گفته‌های خانواده مقتول و انجام کارهای اطلاعاتی و پلیسی دریافتند برادر همسر مقتول به نام مسعود به علت ضرب و شتم مکرر خواهرش توسط مقتول از وی کینه داشته و در صدد انتقام گرفتن از او بود. به این ترتیب متهم تحت تعقیب قرار گرفت و چند روز قبل دستگیر شد. او در بازجویی‌ها گفت: «چون مقتول مدام خواهرم را به باد کتک می‌گرفت به دنبال راهی برای تلافی‌کردن بودم و به همین نیت در روز حادثه با تهیه کاردی به سراغ وی رفتم و با زدن چند ضربه چاقو به پهلو و گردن وی، او را به قتل رساندم.»بنا بر این گزارش تحقیقات از این متهم همچنان ادامه دارد.

کلاهبرداری میلیونی با وعده ازدواج

■ **پلیس‌خبر:** مردی با وعده‌های دروغین دختر نوجوانی را اغفال و از حساب بانکی پدر او ۴۰میلیون تومان برداشت کرد. شخصی با مراجعه به پلیس فتای استان فارس و ارایه شکایتی مدعی شد فردی مجهول‌الهویه از حساب وی نزدیک به ۴۰میلیون تومان برداشت کرده و خرید اینترنتی انجام داده است. در تحقیقات انجام‌شده توسط کارشناسان پلیس، نحوه برداشت و هزینه کردن مبلغ مورد ادعا بررسی و مشخص شد این مبلغ در چهار مرحله انتقال داده شده است. مشخصات یکی از مکان‌هایی که از آنجا مبلغ ۲۷۷میلیون ریال انتقال داده شده شناسایی و پلیس موفق شد چهره این فرد را برای شناسایی توسط شاکی به دست بیاورد. در این مرحله در یک بازجویی فنی از دختر شاکی، متهم شناسایی شد و دختر نوجوان گفت: «حدود دو سال پیش با شخصی به نام «مهران» آشنا و پس از گذشت چند ماه به شدت به وی علاقه‌مند شدم به‌طوری که هر خواسته مالی‌ای که از من داشت برایش فراهم می‌کردم. مهران با دادن وعده‌های دروغین از جمله ازدواج مرا اغفال می‌کرد و هرروز به بهانه‌های مختلفی زمان خواستگاری را عقب می‌انداخت. با توجه به اتفاقاتی که در این مدت رخ داد متوجه شدم مهران قصد ازدواج با من را ندارد و فقط سوءاستفاده می‌کند.» این دختر ادامه داد: «وقتی دیگر به خواسته‌های مهران توجهی نکردم او مرا از طریق اینترنت و پیامک تهدید کرد و با تهدید به اسیدپاشی و افشای ارتباط با من رمز اول حساب پدرم را از من گرفت و خودش رمز دوم را نیز فعال کرد.» کارآگاهان بعد از شنیدن اظهارات این دختر مهران را دستگیر کردند و وی به مرجع قضایی معرفی شد.

برخورد شدید با عاملان حادثه برنامه خاله شادونه

■ **مهر:** رییس کل دادگستری استان زنجان گفت: با مقصران وقوع حوادث تلخ اجرای برنامه خاله شادونه خرم‌دره برابر قانون به‌شدت برخورد خواهد شد. جعفر گلمحمدی افزود: در پی کشته‌شدن سه کودک در برنامه خاله‌شادونه در خرم‌دره، دستور رسیدگی ویژه به حادثه این برنامه صادر شده است و کارشناسان دستگاه قضایی در حال بررسی علت اصلی وقوع این حادثه هستند. رییس کل دادگستری کل استان زنجان با اشاره به شکایت خانواده قربانیان گفت: دادستان خرم‌دره نیز به عنوان مدعی‌العموم دستور رسیدگی و تحقیق در مورد پرونده را صادر کرده است.

ایجاد رمز دوم عابربانک برای کلاهبرداری

■ **ایسنا:** سرپرست پلیس فتای استان هرمزگان از شناسایی و دستگیری فردی خبر داد که با استفاده از رمز دوم عابربانک افراد اقدام به برداشت غیرمجاز و خرید اینترنتی کارت شارژ از حساب‌شان می‌کرد. سرگرد علی‌اکبر قرایی‌پور توضیح داد: در پی شکایتی فردی مبنی بر برداشت غیرمجاز از حساب بانکی وی از طریق اینترنت، ماموران پلیس فتای رسیدگی به موضوع را به صورت ویژه در دستورکار خود قرار دادند. سرپرست پلیس فتای استان هرمزگان افزود: ماموران با بهره‌گیری از شیوه‌های پلیسی متهم را در بندرعباس شناسایی، دستگیر و به مقر انتظامی منتقل کردند. وی با بیان اینکه متهم دستگیرشده در ابتدا منکر ارتکاب هر نوع جرمی شد، گفت: متهم پس از مواجه‌شدن با اسناد و ادله کافی معترف شد که پس از اینکه شاکی عابربانک خود را در اختیار او گذاشت با استفاده از دستگاه ATM رمز دوم کارت وی را فعال کرد و از طریق گوشی تلفن همراه و توسط سیستم رایانه منزل به اینترنت وصل شد و از آن طریق در چند مرحله اقدام به خرید چهارمیلیون و ۶۰۰هزار ریال کارت شارژ کرد.

عروس خون‌بس در گفت‌وگو با «شرق»:

قربانی قبیله‌ام هستم

عکس: شرق

شرق: عروس خون‌بس که اجرای حکم قصاصش به طور موقت متوقف شده‌است، جزییات زندگی‌اش و آنچه را از او یک متهم به قتل ساخت، توضیح داد. مریم، زن ۲۸ساله که از سال ۸۵ در زندان مرکزی شیراز به سر می‌برد بعد از متوقف شدن حکم قصاص، تلاش خود را برای جلب رضایت اولیای‌دم آغاز کرده است اما به خاطر اصرار خانواده خودش بر اجرای حکم، هنوز نتوانسته اولیای‌دم را راضی به گذشت کند. مریم متهم است شش سال قبل دختری جوان را که فکر می‌کرده با شوهرش رابطه دارد و باعث هتک‌حرمت خواهرش شده، به قتل رسانده است. او در اعترافات اولیه‌اش گفت: قرار بود این دختر را به خانه بکشیم و مردی که هم‌جرم من است با او رابطه داشته باشد و ما فیلمبرداری کنیم اما من با او دعوا کردم و هلش دادم. دخترک بیهوش شد و بعد هم‌جرمم او را با دست خفه کرد. من هم خانه را آتش زدم و فرار کردم.

این زن بعد از مدتی اعترافش را پس گرفت و گفت به تنهایی دست به قتل زده‌است اما در دادگاه یک‌بار دیگر نام مرد جوان را آورد و او را هم‌دست خودش معرفی کرد.

عروس خون‌بس در ۱۶سالگی برای پایان دادن به درگیری‌های خونبار دو قبیله، به اجبار ازدواج کرد. او در گفت‌وگویی با خبرنگار ما، در مورد چرایی اصرار خانواده‌اش بر قصاص و ازدواجش در زندان توضیح داد. البته این پرونده پیچیدگی‌های زیادی دارد و آنچه می‌خوانید روایت متهم از ماجراست.

روزهایت را در زندان چطور می‌گذرانی؟

فکر می‌کنید آدمی که باید هر یکشنبه و چهارشنبه منتظر اجرای حکم قصاصش باشد و چشمش به بلندگوی زندان باشد که اسمش را بخوانند، چه حالی می‌تواند داشته باشد. اولیای‌دم به اجرای احکام می‌آیند و اصرار دارند حکم اجرا شود. من اینجا زندگی ندارم.

چرا خانواده‌ات اصرار دارند تو اعدام شوی؟

آنها می‌گویند چرا در دادگاه اسم جاری و برادرشوهرم را به عنوان متهم پرونده نیاوردم تا آنها بتوانند انتقام بگیرند. تنها به من فشار می‌آوردند این کار را بکنم چون قبول نکردم می‌گویند باید اعدام شوی.

این دو نفر چه نقشی در قتل داشتند؟

نقشی در قتل نداشتند، جاری‌ام فقط مردی را که هم‌جرمم است به من معرفی کرد. برادرشوهرم هم اصلا در این ماجرا دخالت نداشت.

پس اصرار خانواده‌ات برای معرفی آنها به خاطر چیست؟

من عروس خون‌بس بودم. من را به قبیله‌ای دادند که با قبیله من درگیری داشتند و در سال‌هایی که این درگیری ادامه داشت، خیلی آدم از هر دو قبیله کشته شدند. وقتی که قتل اتفاق افتاد، مادرم گفت: باید اسم جاری‌ات و شوهرش را هم بیاوری اما من قبول نکردم. اگر اسم آنها را می‌آوردم دوباره کشتار شروع می‌شد. قبیله من خونخواهی می‌کرد و می‌گفت دختر ما را شما به زندان انداختید و به این راه کشاندید. بنابراین تصمیم گرفتم سکوت کنم. ضمن اینکه شوهرم من را طلاق داده بود و این سرشکستگی بزرگی برای خانواده من و پدرم که بزرگ قبیله بود، محسوب می‌شد. وقتی که من در دادگاه اسم برادرشوهر و جاری‌ام را نیاوردم، آنها بهانه‌ای برای انتقام‌گیری نداشتند و مجبور به سکوت شدند همین موضوع خانواده‌ام را ناراحت کرد.

چرا آن دختر را کشتی؟

من نمی‌خواستم بکشمش. فقط می‌خواستم کاری کنم که پایش را از زندگی‌ام بیرون بکشد. البته جاری‌ام مردی را که از اقوامش بود، به من معرفی کرد و گفت: او حاضر است کمک کند تا آن دختر را به خانه بکشیم و از او فیلمبرداری کنیم. خانواده‌ام می‌گفتند: باید اسم جاری‌ات را بیاوری و بگویی او تو را تشویق کرد در حالی‌که این درست نبود. جاری‌ام فقط آن مرد را به من معرفی کرد. مرد جوان در قتل نقش داشت، اما جاری‌ام هیچ نقشی نداشت و من هم نمی‌خواستم بی‌دلیل اسم او را در پرونده مطرح کنم. البته در اداره آگاهی نامش را آوردم و مواجهه حضوری هم شدیم اما در دادگاه نامش را نیاوردم.

گفته می‌شود برادرت در زندان به تو حمله و شلیک کرده‌است، چرا او این کار را کرد؟

وقتی من زندانی شدم خانواده‌ام من را طرد کردند. من خیلی تنها شدم. خانواده‌ام می‌گفتند باید اعدام شوی چون مطابق خواسته ما عمل نکردی. برای زنده ماندن دست‌وپا می‌زدم و دنبال کسی می‌گشتم که کمکم کند تا اینکه دوست پدرم که رقابتی هم با او داشت، از من خواستگاری کرد. او مرد ثروتمندی بود و از قاضی ناظر زندان خواسته بود که پیام خواستگاری‌اش را به من برساند. آن مرد سی‌سال از من بزرگ‌تر بود و می‌دانستم با او خوشبخت نخواهم شد. در نهایت با این شرط که او برایم از اولیای‌دم رضایت بگیرد، قبول کردم که با آن مرد ازدواج کنم. او هم مقابل قاضی ناظر زندان قول داد از اولیای‌دم رضایت بگیرد و قبول کرد تا یک‌میلیارد تومان هم دیه بپردازد. پدرم که ماجرای ازدواج من را شنید عصبانی شد و به برادرم گفت: به زندان برو و خواهرت را بکش، این‌طوری سرمان را بالا می‌گیریم و می‌گوییم خودمان کشتیمش و این بی‌آبرویی را از بین می‌بریم. من و برادرم رابطه خوبی با هم داشتیم، برادرم تنها کسی بود که گاهی به دیدنم می‌آمد. وقتی آمد، خوشحال شدم و به طرفش رفتم، او به من شلیک کرد و تا پای مرگ رفتم و برگشتم. بعد از آن دیگر هیچ‌کدام از اعضای خانواده‌ام را ندیدم. آنها می‌خواستند من کشته شوم چون مطابق خواسته‌شان عمل نکردم تا بتوانند از قبیله مقابل انتقام بگیرند و از طرفی ازدواج کردم تا با کمک شخصی دیگر از قصاص نجات پیدا کنم.

در حال حاضر مدعی هستی قاتل فرد دیگری است، چرا این حرف‌ها را در دادگاه نگفتی؟

من در دادگاه گفتم همدست داشتم و آن مرد را معرفی کردم اما چون در مرحله دادسرا یک‌بار گفته بودم این مرد در قتل نقشی نداشته، دادگاه او را تبرئه کرد. برای قاضی دادگاه سوال نبود که چرا برادر بزرگم به این مرد حمله کرده و شش گلوله به او زده است و چرا این مرد شکایت نکرد و بعد با هویت جعلی به زندگی‌اش ادامه داده است.

چرا تو در مرحله دادسرا از اعترافت برگشتی و گفتی همدستت نقشی در قتل نداشت؟

افراد خاصی به دیدنم آمدند. آنها صاحب منصب بودند و این مرد هم با آنها نسبت داشت و من فکر می‌کردم آنها به من کمک می‌کنند. به همین خاطر به خواسته آنها خودم قتل را گردن گرفتم.

چرا خودت با اولیای‌دم صحبت نکردی تا بتوانی رضایت‌بگیری؟

با برادر بزرگ مقتول که در واقع بزرگ خانواده است و همه حرفش را قبول دارند صحبت کردم. گفتم: بیا رضایت بده تو که می‌دانی من قاتل خواهرت نیستم. گفت: می‌دانم و به اندازه‌ای که برای خواهرم ناراحتم، برای تو هم ناراحت هستم اما حداقل یک‌بار خانواده‌ات از ما بخشش بخواهند بعد ما می‌بخشیم. هرچه من اصرار کردم فایده نداشت. او گفت: کافی است یک‌بار خانواده‌ات بگویند، آن وقت ما می‌بخشیم.

یعنی مادرت هم می‌خواهد تو اعدام شوی؟

مادرم را عاشقانه دوست دارم. او تنها کسی است که برای من گریه می‌کند و ناراحت است اما باز می‌گوید نمی‌شود تو اعدام نشوی. چرا اسم جاری‌ات را نیاوردی و کاری کردی که ما نتوانیم انتقام بگیریم پس باید اعدام شوی.

یعنی اگر تو اعدام شوی، قبیله‌ات راضی می‌شوند؟

اگر من اعدام شوم، دوباره کشتار شروع می‌شود و قبیله‌ام به قبیله شوهرم حمله می‌کنند و دوباره از هر دو طرف افرادی کشته می‌شوند و کسی هم جلودارشان نیست. هر دو قبیله می‌دانند من قاتل نیستم و یک مرد، دخترک را کشته است اما می‌گویند اگر پای مرد وسط بیاید، بی‌آبرویی می‌شود. اگر هم آزاد شوم، خودم را می‌کشند. بهترین حالت این است که در زندان بمانم اما من دیگر طاقت ندارم.

فکر می‌کنی کار درستی کردی اعترافاتت را پس گرفتی؟

من اعترافم را پس گرفتم و همین باعث شد هم‌جرمم تبرئه شود اما همه واقعیت را نمی‌توانم بگویم چون می‌دانم مادرم نابود می‌شود. او تنها کسی است که من به خاطرش زندگی می‌کنم. پدرم فوت شده و اگر مادرم هم بمیرد، من نمی‌دانم باید چه کنم. به همین دلیل هم واقعیت‌هایی را فقط به وکیلم گفته‌ام.

سرقت‌های سریالی مادر و دختر از جواهرفروشی‌ها

■ **دو متهم در تهران، بابلسر، مشهد، قم، اصفهان و شاهین‌شهر مرتکب دزدی شده‌اند**

متهم فراری

شرق: زنی که با همدستی دخترش از طلافروشی‌های زیادی در شهرهای مختلف سرقت کرده است تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار ما، کارآگاهان اداره هفدهم پلیس آگاهی تهران در پی وقوع سرقت‌های مشابه از طلافروشی‌های سطح شهر تهران توسط سه زن به تحقیق در این رابطه پرداختند و در گام اول به بازبینی تصاویر دوربین‌های مداربسته زرگری‌ها پرداختند.

این تصاویر نشان داد دختری حدودا ۲۵ساله به همراه دو زن میانسال به بهانه خرید سرویس طلا با مراجعه به مغازه‌ها شروع به امتحان طلا و جواهرات به ویژه سرویس‌های طلا می‌کند و در یک لحظه با استفاده از غفلت فروشندگان سرقت را انجام می‌دهد و سپس به بهانه اینکه سرویس یا طلای مورد نظر را پسند نکرده با همدستانش از مغازه‌ها خارج می‌شود و صاحبان طلافروشی پس از سرقت و در زمان قرار دادن طلا و جواهرات در داخل ویترین متوجه ماجرا می‌شوند.

کارآگاهان در ادامه رسیدگی به این پرونده با شناسایی یکی از سارقان که زنی ۴۰ساله به نام مهری است، نشانی مخفیگاه وی را در ورامین به دست آوردند و او را دستگیر کردند. مهری که ابتدا قصد داشت منکر ارتکاب سرقت شود به دلیل وجود تصاویر به‌دست‌آمده از متهم در صحنه‌های سرقت به ناچار لب به اعتراف گشود و همدستان خود را که مادر و دختری به اسامی پوران و هما هستند، معرفی کرد.

ماموران با شناسایی مخفیگاه دو متهم ۶۰ و ۲۵ساله در شهرستان کرج، با اخذ نیابت قضایی به آنجا رفتند و در تحقیقات خود اطلاع پیدا کردند این دو بعد از مطلع شدن از دستگیری مهری محل سکونت خود را ترک کرده و فرای شده‌اند.

چندی بعد با وقوع سرقت‌های مشابه در برخی از شهرها به ویژه در بابلسر، مشهد، قم، اصفهان و شاهین‌شهر، کارآگاهان به تجمیع پرونده‌ها پرداختند و با بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته اطمینان پیدا کردند پوران و هما پس از متواری شدن، سرقت‌های خود را در شهرهای مختلف ادامه داده‌اند.

در این بین یکی از مالباختگان درخصوص سرقت بیش از ۳۰۰ گرم طلا به کارآگاهان گفت: «دو زن به مغازه‌ام وارد شدند و گفتند قصد دارند مقدار زیادی طلا بخرند. آن دو حدودا ۴۵ دقیقه در مغازه در حال امتحان کردن طلاها بودند و پس از این مدت به بهانه پسند نکردن طلاها از مغازه خارج شدند. زمانی‌که می‌خواستم جواهرات را در ویترین بگذارم، متوجه شدم آنها به صورت ماهرانه‌ای یک دسته النگو را به ارزش تقریبی ۱۶ میلیون تومان سرقت کرده‌اند.» مالباخته دیگری نیز در اظهارات مشابه گفت: «حدود سه ماه پیش یک دختر جوان به همراه زنی میانسال به بهانه خرید یک سرویس طلا به ارزش تقریبی هفت‌میلیون تومان وارد مغازه شدند و سرویس‌های مختلفی را از من گرفتند تا مشاهده کنند، پس از مدتی به بهانه اینکه هیچ کدام از سرویس‌های طلا نظرشان را جلب نکرده است از مغازه بیرون رفتند و پس از خروج آنها بود که متوجه سرقت یک سرویس کامل طلا به ارزش تقریبی پنج‌میلیون و ۴۰۰ هزار تومان شدم.» کارآگاهان با توجه به اطلاعات موجود پی بردند این مادر و دختر، حداکثر به مدت یک هفته در هر شهر می‌مانند و بعد از چند سرقت به شهری دیگر می‌گریزند. سرانجام بعد از جست‌وجوهای گسترده مخفیگاه هما در منطقه شاهین ویلا کرج شناسایی شد و این محل تحت مراقبت‌های نامحسوس قرار گرفت و وی در فرصتی مناسب دستگیر شد.

سرهنگ علی غیاثوند، معاون مبارزه با سرقت‌های خاص پلیس آگاهی تهران در این‌باره گفت: «با توجه به دلایل و مدارک به‌دست‌آمده از صحنه سرقت‌ها، به ویژه تصاویر به‌دست‌آمده از متهمان در لحظه سرقت و قطعی شدن ارتکاب سرقت از سوی متهمان مجوز انتشار بدون پوشش چهره هر دو متهم پرونده از سوی بازپرس شعبه ششم دادسرای ناحیه ۴ تهران صادر شده است، بنابراین از تمامی مالباختگانی که موفق به شناسایی متهمان شده‌اند دعوت می‌شود برای طرح شکایت خود به اداره هفدهم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.»

سرهنگ غیاثوند، در ادامه با اشاره به متواری بودن پوران گفت: «مجوز انتشار بدون پوشش چهره این متهم نیز از سوی مقام قضایی صادر شده است و از شهروندان محترمی که موفق به شناسایی تصویر متهم شده‌اند یا اطلاعی از مخفیگاه یا محل‌های تردد وی دارند، درخواست می‌شود اطلاعات خود را در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار دهند.»

پنج قاره

کشف ۴۹ جسد مثله‌شده در مکزیک

■ **آسوشیتدپرس:** پلیس مکزیک از کشف ۴۹ جسد مثله‌شده در یکی از بزرگراه‌های شمالی این کشور خبر داد. پلیس اعلام کرد به نظر می‌رسد این جنایت نتیجه جدیدترین درگیری میان دو باند قاچاق مواد مخدر است. سخنگوی پلیس مکزیک در این‌باره گفت: ماموران این اجساد را در حالی‌که به طور کامل مثله‌شده بودند، پیدا کردند به همین دلیل شناسایی هویت آنان کار سختی خواهد بود. این قربانیان سه روز پیش در منطقه دیگری کشته و سپس به این محل انتقال داده شدند.

سوءاستفاده جنسی در ازای نمره بیشتر

■ **پلیس‌خبر:** معلم آرژانتینی به جرم برقراری رابطه جنسی با شاگردانش به ۱۲ سال حبس محکوم شد. این مرد که در دبیرستان مشغول به کار بود، در ازای رابطه جنسی که دانش‌آموزان با او برقرار می‌کردند نمره بیشتر به آنان می‌داد. این مرد ۴۸ ساله با شکایت یکی از شاگردانش به دام افتاد.

دستگیری پدر فرزندکش

■ **دیلی‌میل:** مرد آمریکایی که به اتهام قتل فرزندش تحت تعقیب پلیس بود، پس از سه ماه به دام افتاد. پلیس محلی ایالت «آریزونا»، پس از کشف جسد این کودک که به شدت مورد ضرب و جرح قرار گرفته بود، تلاش برای یافتن متهم را آغاز کرد. متهم پس از گریه کردن فرزندش کنترل خود را از دست داده و چندین بار به سر او ضربه‌های شدیدی وارد کرده و او را کشته بود. به گفته پلیس محلی «آریزونا»، مادر این کودک ابتدا از توضیح علت وقوع این حادثه خودداری کرد اما پس از بازجویی‌های متعدد مجبور به اعتراف شد. پلیس پدر فرزندکش را بعد از سه ماه فرار، به جرم قتل عمد و کودک‌آزاری روانه بازداشتگاه کرد.

۱۵ قربانی در پی سقوط هواپیمای مسافربری

■ **فرانس‌پرس:** دست‌کم ۱۵ نفر بر اثر سقوط هواپیمای مسافربری در نپال کشته شدند. به گفته سخنگوی پلیس نپال، این سانحه هوایی در نزدیکی رشته‌کوه‌های آناپورنا در شمال نپال اتفاق افتاد و شش نفر، از جمله دو کودک به طور معجزه‌آسایی نجات یافتند.

بلندترین برج اسباب‌بازی جهان

■ **ایسنا:** بلندترین برج اسباب‌بازی جهان با حدود ۳۲ متر ارتفاع در «سئول» پایتخت کره جنوبی ساخته شد. این برج با همکاری چهار هزار کودک و با استفاده از ۵۰۰ هزار قطعه اسباب‌بازی ساخته شده است. این سازه که روز یکشنبه در مقابل استادیوم المپیک سئول رونمایی شد، توانست رکورد قبلی را در فرانسه بشکند. این سازه به خودی خود توانسته است ۳۰ هزار توریست کنجکاو را برای تماشای آن جذب کند. اولین برج اسباب‌بازی جهان سال ۱۹۸۸ میلادی با ارتفاع حدود ۱۵ متر در لندن ساخته شد.

دریچه

توفان کشنده در چین

دیلی‌میل: تلفات توفان همراه با باران‌های سیل‌آسا و تگرگ در چین به ۴۴ نفر افزایش یافت. به گفته مقامات چین بر اثر باران‌های چند روز گذشته، گل و لای وسیعی مناطق سیل‌زده را دربرگرفته و خسارت شدیدی را به مناطق کوهستانی فقیرنشین وارد کرده است. مقامات محلی ایالت «گانسو» اعلام کردند: برق بخش‌هایی از این ایالت قطع شده و تعدادی از راه‌های ارتباطی نیز مسدود شده است و ۱۵۰ هزار نفر مجبور به ترک منازل‌شان شده‌اند.

نگاه

شروع به جرم از نگاه قانون

شاپور اسماعیلیان
وکیل دادگستری

■ ۱- برای بحث درباره ارکان شروع به جرم لازم است در ابتدا به کلیاتی اشاره شود. برای تحقق عنوان مجرمانه هرجرمی، مرتکب باید عملیات اجرایی جرم‌منظور را از نظر عنصر مادی با موفقیت به اتمام برساند تا گفته شود جرم‌منظور به‌طور کامل (تام) واقع شده است ولی یکی از مصداق‌های عدم وقوع جرم‌منظور، و به عبارتی عدم حصول نتیجه، دخالت عامل خارجی در واقع نشدن جرم است که در این حالت گفته می‌شود عمل ارتکابی «جرم ناقص» است و اصطلاحا «شروع به جرم» نامیده می‌شود. در شروع به جرم اصطلاحی، وجود شرایطی لازم است: اولا: شروع به جرم در صورتی جرم و قابل مجازات است که در قانون پیش‌بینی و به آن اشاره شده باشد... (مانند شروع به قتل عمدی یا شروع به کلاهبرداری یا شروع به آدم‌ربایی و...). ثانیا: شروع به جرم عبارت است از شروع به عملیات اجرایی جرم‌منظور (و نه عمل مقدماتی جرم) و عدم وقوع جرم‌منظور به علت دخالت عامل خارجی (و نه انصراف ارادی مرتکب یا عمل دیگری چون ویژگی موضوع جرم یا نقص ابزار جرم). برای این موارد مثال می‌زنیم. اگر کسی با چاقویی کشنده از پشت‌سر و به قصد قتل به دیگری حمله کند ولی شخص ثالثی با گرفتن دست او، مانع از ارتکاب جرم شود. به علت دخالت عامل خارجی جرم واقع نشده و عمل مصداق شروع به جرم قتل عمدی است. ولی اگر شخص مرتکب با انصراف ارادی خود باعث عدم وقوع جرم شود، شروع به جرم اصولا واقع نمی‌شود اما در حالاتی که عدم وقوع جرم ناشی از ویژگی موضوع جرم یا ابزار آن باشد و جرم واقع نشود، عمل مرتکب مصداق جرم محال است. به عنوان نمونه کسی به تصور اینکه شخصی زنده است ضربات متعددی با قصد قتل به او وارد کند و بعد معلوم شود او چند ساعت قبل در رختخواب سکته مغزی کرده و فوت شده است یا مرتکب بدون اطلاع از اینکه اسلحه وی خالی است به قصد قتل، ماشه اسلحه را با هدف قراردادن مغز کسی بکشد ولی به‌لحاظ خالی بودن اسلحه جرم تحقق نیابد که در این حالت‌ها، عدم وقوع جرم به‌علت مدخلیت عامل خارجی به حساب نمی‌آید و به ترتیب به‌لحاظ خصوصیت در موضوع جرم (زنده نبودن شخص منظور) یا (خالی بودن اسلحه) است که به این نوع مصداق‌ها، «جرم محال» گفته می‌شود که ماهیتا متفاوت از شروع به جرم اصطلاحی است. ۲- در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ و نیز قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ (به ترتیب مواد ۲۰ و ۱۵ هر یک از این دو قانون) تعریف یا مفهوم مشابه شروع به جرم (با تعریفی که به آن اشاره شد) پیش‌بینی شده بود اما قانون‌گذار در سال ۱۳۷۰ با وضع ماده ۴۱، در واقع مفهوم شروع به جرم را از بین برد. زیرا این ماده مقرر می‌دارد: «هر کس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم‌منظور واقع نشود [یعنی به هر علت]، چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد [یعنی عملی که انجام داده دارای عنوان مجرمانه مستقل باشد!] محکوم به مجازات همان جرم می‌شود. به عنوان مثال اگر کسی با اسلحه غیرمجاز از پشت‌سر به قصد قتل به دیگری بخواهد شلیک کند اما شخص ثالثی با گرفتن دست یا زدن به دست وی مانع از شلیک گلوله شود شخصی که قصد قتل داشته و با دخالت عامل خارجی، جرم وی محقق نشده فقط به مجازات نگهداری اسلحه غیرمجاز محکوم خواهد شد. با این حال، در قانون مجازات اسلامی جدید که در مراحل نهایی تصویب است، با برگشت به گذشته، مفهوم شروع به جرم اصطلاحی دوباره احیاشده است که در فرصت مناسب تفصیل آن بیان خواهد شد. ۳- در شروع به عملیات اجرایی جرم‌منظور نباید عمل مقدماتی را به عنوان «عمل اجرایی» تلقی کرد. در توصیف ماهیت عمل مجرمانه از حیث عنصر مادی بین جرایم با عناوین مجرمانه مستقل و مجزا، تفاوت وجود دارد و همان‌طوری که اشاره شد شروع به عملیات اجرایی هر جرم عمدی (با فرض داشتن سوءنیت لازمه)، با درنظر گرفتن عنصر مادی جرم دیگر متفاوت است. مثلا در شروع به قتل عمدی، مرتکب باید عمل اجرایی را به قصد ارتکاب قتل (سلب عمدی حیات) آغاز کند (مثال حمله از پشت به قصد قتل با ایراد جرح عمدی شدید یا قصد شلیک گلوله)، اما به علت عامل خارجی که اراده مرتکب در آن مدخلیت نداشته (دخالت شخص ثالث) جرم‌منظور وی واقع نشود در این صورت شروع به جرم قابل تعقیب و مجازات است. خرید چاقو، یا کمین‌کردن در تاریکی به قصد حمله به شخص موردنظر و امثال اینها، اعمال مقدماتی است و به‌تنهایی برای تحقق شروع به جرم کافی نیست حتی اگر مرتکب قصد خود را از این اعمال بیان یا آشکار کند. در قضیه ربودن زن مسافر توسط راننده خودرو شخصی به قصد تجاوز (ارتکاب زنا) که نهایتا اقدامات پلیس منجر به توقف وسیله نقلیه و دستگیری راننده متواری شده است (خبری که در شماره گذشته روزنامه شرق منتشر شد) عمل ارتکابی به‌وسیله متهم سابقه‌دار، آدم‌ربایی به قصد زنا بوده که حداکثر مجازات قانونی آن در ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی به شرح زیر مقرر شده است: «هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حیله یا به هر نحو دیگر شخصا یا توسط دیگری، شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا ۱۵سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتر از ۱۵سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر [مثلا زنای به عنف] به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.»